روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

یکشنبه • ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ • ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ • ۷ فوریه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۳۵ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۷
اذان صبح فردا ۵:۳۳ • طلوع آفتاب ۶:۵۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

لایروبی بندر آستارا و آمادگی برای ورود کشتی‌های بزرگ، عکس: مهدی حسین‌نژادی، مهر

تلنگر

شیفتگان قدرت یا تشنگان خدمت؟

سیدحسن موسوی‌چلک
رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران

یکی از جملاتی که دنیایی مطلب پشت سر آن وجود دارد، این است که «ما شیفتگان خدمتیم، نه تشنگان قدرت». یا عباراتی با این مضامین که در ادبیات ما هم به‌وفور درباره آن سخن به میان آمده است و حتی خدمت به خلق را بسیار مهم‌تر از عبادت نشان داده‌اند. آنجا که سعدی شیرازی در کتاب ارزشمند بوستان خود در باب اول در عدل و تدبیر و رأی اشاره می‌کند که: «عبادت به جز خدمت خلق نیست» دقیقا دارد به همین نکته اشاره می‌کند که خدمت به خلق چقدر ارزش دارد یا آنجا که ملک‌الشعرای بهار اشاره می‌کند که «خدمت مخلوق کن، بی‌مزد و بی‌منت بهار/ ای خوش آن بینا که روزی دست نابینا گرفت» هم دارد از اهمیت خدمت‌کردن به مردم و آن هم بدون منت صحبت می‌کند. مطلبی را در این زمینه مطالعه می‌کردم که این‌گونه نوشته شده بود «خدمت به مردم و مسلمانان از چنان جایگاهی برخوردار است که در برخی روایات در کنار ایمان به خدا از بالاترین خصلت‌ها شمرده شده است؛ چنان‌که امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند: «خَصْلَتانِ لَیْسَ فَوْقَهُما شَیءٌ: الْایمانُ بِاللهِ، وَنَفْعُ الْاِخْوانِ؛ [۸] دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نیست، عبارت‌اند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع‌رساندن به برادران دینی». پس خدمت به خلق مانند ایمان به خدا باعث صعود انسان به مقامات معنوی و جلب رضایت خداوند متعال می‌شود و البته از سوی دیگر کسی که حق و حقوق دیگران را پایمال کند و به وظیفه خود در قبال مردم جامعه عمل نکند، عقاب الهی متوجه او خواهد بود. پس دراین‌بین وای به حال مسئولانی که فرصت خدمت به مردم به آنها داده شده؛ اما قدر خود را ندانسته و به جای خدمت صادقانه کم‌کاری کنند؛ زیرا نه‌تنها باید جواب‌گوی فرصت‌های ازدست‌رفته خود باشند؛ بلکه درباره تضییع حق و حقوق دیگران هم مورد سؤال و بازخواست قرار خواهند گرفت»! اینکه چرا به یاد این موضوع افتادم و دل‌نوشته کوتاهم را می‌نویسم، حال و روز این روزهای ماست که همه به‌ظاهر با شعار خدمت به مردم منصب می‌گیرند؛ ولی گویا فراموش کرده‌اند که همه این مناصب و جایگاه‌ها برای خدمت به مردم است. از منظر امام علی(ع) هم گویا وظیفه حکومت، خدمتگزاری و دادگری است و اعتبارش فقط در این جهت است؛ بنابراین آن حضرت قدرت را در خدمت احیا و گسترش اصول و اهداف متعالی مدنظرش - که احیای سنت رسول و اصول اصیل اسلامی بود - می‌دانست. از نظر امام علی (ع)، حفظ قدرت بر مبنای صداقت ارزش دارد و حضرت «صداقت را بنیادی‌ترین اصل سیاست مدیریتی شمرده و صداقت و روراستی با مردمان را اصل مهم حاکمیتش قرار داده بود. در نگاه او، صداقت نخستین شرط سیاست‌مداری است». تأملی بر آنچه این روزها برای نشان‌دادن قدرت در میان برخی مسئولان به راه افتاده است، ما را به این نکته رهنمون می‌کند که مگر نه این است که قدرت باید برای مصالح و منافع مردم باشد، نه ابزاری برای برتری سیاسی؟ حال اینکه برخی از ما را چه می‌شود که فراموش کنیم که ما شیفتگان خدمت بودیم، حال چرا به شیفتگان قدرت تبدیل می‌شویم؟ سؤالی است که هر کسی چنین کرده، باید پاسخ‌گو باشد و من نمی‌توانم از طرف آنها پاسخ دهم؛ اما این حق را دارم سؤال بپرسم که چرا شعارمان را فراموش می‌کنیم وقتی بر صندلی قدرت تکیه می‌زنیم؟ اگر امام علی (ع) را قبول داریم، بپذیریم که ایشان برای حفظ قدرت حاضر نشد تحت هیچ شرایطی حتی از اصول غیراخلاقی چون سب و دشنام‌گویی استفاده کند؛ اما ما را چه شده است؟... .

زنان

عکسی در سازمان ملل

مریم مجد از ۱۵ سال پیش به عنوان عکاس در مطبوعات فعالیت کرده است، او اکنون در ۳۴سالگی تجربه‌های متعددی را در ورزش زنان پشت‌سر گذاشته است، از حضور در جام‌جهانی زنان ۲۰۱۹ فرانسه تا انتخاب به‌عنوان ۱۰ عکاس برتر ورزشی قاره آسیا و اقیانوسیه و همچنین در بین انجمن عکاسان ورزشی زنان. شاید بتوان او را از اولین کسانی دانست که ورزش را به‌عنوان حوزه تخصصی خود برگزیده است. راهی که اکنون زنان جوان دیگر نیز دنبال می‌کنند و می‌توان در مسابقات مختلف ورزشی آنها را دید. اما به‌تازگی عکسی از او در در جشنواره بین‌المللی بشردوستی انتخاب شده و این عکس در گالری سازمان ملل به نمایش گذاشته شده است. این اتفاق سبب شد تا شهروندآنلاین به سراغش برود. او دراین‌باره می‌گوید: «من از کودکی به واسطه خانواده‌ام با مطبوعات آشنا بودم. دغدغه اینکه با کمک رسانه بتوانم چیزی را به بقیه مردم جهان نشان بدهم داشتم. تجهیزات عکاسی‌ام را به سختی خریدم و عکاسی را با عشق و علاقه انجام می‌دهم. همین باعث شد وقتی دوربین دستم می‌گیرم دنبال ثبت لحظه‌ای باشم که شاید بتوانم با آن چیزی را تغییر دهم یا اثرگذار باشم.

فرقی نمی‌کند شما چه تخصصی داشته باشید. وقتی قصدتان تأثیرگذاری باشد می‌توانید آن را در هر زمینه‌ای انجام دهید. البته این اثرگذاری همیشه مثبت نیست. گاهی چیزی که خلق می‌شود می‌تواند اثری منفی هم بگذارد.

من تلاش‌کردن در راه بهبود زندگی بشر را دوست دارم و دلم می‌خواهد این کار را به کمک دوربینم انجام دهم. برای همین عکاسی ورزشی، اجتماعی و حوزه زنان را برای فعالیت‌هایم انتخاب کردم.

از کارتن‌خواب‌ها و افراد آسیب‌دیده عکاسی کرده‌ام چون فکر می‌کردم این کاری است که من می‌توانم انجام دهم؛ عکاسی از افرادی که صدایشان شنیده نمی‌شود. فراخوان جشنواره را اتفاقی دیدم. با

توجه به دوره‌های گذشته این جشنواره که دوره‌هایی پرویپمان بودند، تصمیم گرفتم در جشنواره شرکت کنم.

با توجه به اینکه در دوره پاندمی کرونا قرار داریم و حدس می‌زدم عکس‌های زیادی هم درباره این همه‌گیری جهانی به جشنواره ارسال شود امیدی به برگزیده‌شدن عکس خودم نداشتم، اما این عکس برای من مهم بود. چون آن را حاصل تلاش و تجربه جمعی زنان جامعه خودم می‌دانستم که بعد از چند دهه تلاش به ثمر رسیده بود. جالب است بدانید آن روز من به عنوان یک عکاس نتوانستم به جایگاه عکاسان بروم. هنگام گرفتن این عکس روی سکوی تماشاچی‌ها بودم اما بازی را نه مثل دیگر تماشاچی‌ها، بلکه مثل یک عکاس از ویزور دوربین تماشا می‌کردم. خاطره من از حضور زنان در استادیوم آزادی در بازی ایران-کامبوج به تماشای تماشاچی‌ها از قاب دوربینم برمی‌گردد. لحظه ثبت این عکس، من بازی را تماشا نمی‌کردم، اما از تکان‌خوردن زمین زیر پایم، از شنیدن فریاد شادی تماشاچی‌ها و همهمه بزرگی که در اطرافم رخ داد فهمیدم لحظه حساسی در بازی است که همان لحظه گل است. شاتر را فشار دادم. گرچه فکر می‌کنم این عکس مربوط به گل دهم بازی بود. با این حال من هم مثل همه زنانی که در این استادیوم حضور داشتیم، غم و شادی توأمانی داشتم از حضور زنان در استادیوم.

همان چیزی که در عکس هم به خوبی مشخص و ممکن است یک مخاطب عکس را ببیند و از آن شور و شادی دریافت کند یا بغض کند. از اینکه هیئت داوران مسابقه هم این عکس و این موقعیت را درک کرده بودند احساس بسیار خوبی داشتم».

البته وقتی از او می‌پرسیم که آیا این موفقیت‌ها در ایران هم سبب پیشرفت می‌شود کمی دلگیر است و می‌گوید: «انجمن صنفی عکاسان خانه سینما تبریک داد. اما دریغ از تبریک صنوفی که عضوش هستم مثل انجمن صنفی عکاسان ورزشی ایران ایسجا، انجمن صنفی عکاسان مطبوعات یا انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران هیچ کدام تبریک نگفتند. انگار هرچقدر موفق‌تر باشی، کار برایت سخت‌تر می‌شود».

مغز اجتماعی-۱۵۱

ریشه پیش‌زبانی زیبایی‌شناسی هنر

عبدالرحمن نجل‌رحیم
مغزپژوه

ظاهرا امروزه با استیلای دنیای انتزاعی که زبان در آن نقش مهمی بازی می‌کند، برای ما سخت‌باور خواهد بود با نظریه‌ای روبه‌رو شویم که ریشه زیبایی‌شناسی هنر را در دوره پیش‌زبانی جست‌وجو کند. ولی جالب است بدانیم که در یونان باستان، هنر را دانش ادراک حسی -حرکتی (امر محسوس) می‌دانستند و آن را به این طریق از دانش عقلانی ـ زبانی جدا می‌کردند. در ایران باستان نیز گویا به روایتی، هنر نیروی تمییز و تشخیص امر زیبا، امر محسوس دانسته می‌شد. در قرن بیستم با وجود غلبه نظریه‌های زبان‌شناسی و رفتارشناسی سپس علوم شناختی که مسائل هیجانی ـ عاطفی و امر محسوس پیوسته به آن را نوعی مداخله‌گر مزاحم در مطالعات به حساب می‌آورد، به موضوع زیبایی‌شناسی پیش‌زبانی هنر توجهی نشان داده نمی‌شد. از دو دهه پیش بود که بسیاری از پژوهشگران مغز متوجه شدند که مطالعه شناخت بدون دخالت امر محسوس بدنی و هیجانات و عواطف معنابخش آن ممکن نیست. با توجه به یافته‌های جدید، اولین مقوله‌بندی‌های خام و مبهم برای شناسایی از طریق بیدارشدن احساس زیبایی‌شناسی به دست می‌آید که نوعی ادراک بدنی عاطفی پیش‌زبانی است که از طریق اتصال هیجان و عاطفه به ادراک حس و حرکت به دست می‌آید. به عبارتی، پیش از تکامل زبان ما می‌توانیم نوعی دانش عاطفی از طریق تجربیات بدنی داشته باشیم که انگیزش‌های کنشی متناسب را موجب می‌شود. با تکامل زبان و دانش همراه آن، این دانش اولیه از بین نمی‌رود بلکه این نوع شناخت اولیه عاطفی همراه با نوع شناخت زبانی و آگاهانه در دستگاه مغزی ما ادامه حیات می‌دهد. بنابراین رابطه بین دانش دستگاه ادراکی ـ عاطفی بدنی ما با دانش دستگاه زبانی انتزاعی، به‌هیچ‌وجه جدا و بیگانه نیست. بلکه دانش عاطفی، بنیادی‌ترین بخش شناخت ما را تشخیص می‌دهد که دانش زبانی به آن افزوده می‌شود. نکته مهم دیگر توجه به نقش زیبایی‌شناسی در طراحی محیط اجتماعی زیست است که از نظر تکاملی نیز دارای ارزش اجتماعی است و در مراسم آیینی آغازین بشری نیز به کار گرفته شد و با رشد زبان ابعاد گسترده‌تری هم پیدا می‌کند. باید تأکید شود که ادراک عاطفی پیش‌زبانی مقدم بر شکل‌گیری روابط اجتماعی بر اساس زبان است. البته با پیدایش زبان و ریاضی این ادراک اولیه زیبایی‌شناسی به این دو حیطه جدید شناختی نیز وارد می‌شود و دامنه عمل وسیع‌تری پیدا می‌کند. تاریخ پیدایش زبان نامعلوم است، ولی استفاده پیچیده از زبان شاید به ۲۰۰ هزار تا ۵۰ هزار سال قبل برسد. علت مجهول‌ماندن تاریخ واقعی پیدایش زبان، عدم امکان ردیابی آثار تکلمی شفاهی انسان در دوران اولیه است. البته حدس ۵۰ هزار سال از اینجا می‌آید که در این حوالی زمانی، از آثار به‌جامانده می‌توان حدس زد که انسان دارای رفتار نمادین بر پایه زبان شده باشد. با این وجود اگرچه زمان پیدایش زبان نامعلوم است ولی به نظر می‌رسد که برای سه میلیون سال پس از ظهور انسان روی کره زمین، قبل از تولد زبان، زیبایی‌شناسی پیش‌زبانی، نوعی دانش اولیه برای مقوله‌بندی و شناسایی خوشایند از ناخوشایند بوده و این پدیدار همچنان در مغز انسان فعال مانده و با پیدایش زبان رشد کرده است. بنابراین هم‌اکنون نیز نباید به چنین باوری برسیم که فقط می‌بایست برای مقوله‌بندی زبانی ـ انتزاعی اعتبار انسانی قائل باشیم و چون دکارت تصور کنیم: «من فکر می‌کنم پس هستم». فراموش نکنیم که دانش زیبایی‌شناختی پیش‌زبانی نیز دارای ابعاد اجتماعی فرهنگی است و همچنان در نحوه زندگی ما تأثیر مستقیم دارد. در دو دهه اخیر تأثیر این مقوله‌بندی هیجانی عاطفی در کارهای پژوهشگران مغز، ازجمله «لیدو» و «داماسیو» برجسته شده است.

متأسفانه برای عده کثیری از نظریه‌پردازان امروز، با وجود دوران طولانی تاریخ شفاهی در زندگی بشر، هنوز ادبیات به دوره تاریخ کوتاه نوشتن و خواندن محدود می‌شود. ولی بر اساس پژوهش‌های وسیع در رشته‌های تکاملی زیستی ـ مغزی، اجتماعی ـ تاریخی و با توجه به مطالعات دوره گهواری پیش‌زبانی رشد کودک، به نظر می‌رسد که واکنش احساسی هیجانی زیبایی‌شناختی ما نسبت به روایات ادبی ـ هنری ریشه در بافتار سازگاری اجتماعی تکاملی تاریخی پیش‌زبانی ما دارد. بد نیست یادآوری شود که ۹۹ درصد تاریخ تکاملی انسان در بی‌زبانی و بی‌سوادی گذشته و در این مدت بشر برای بهره‌گیری از دانش پیش‌زبانی از درک هیجانی عاطفی زیبایی‌شناختی خود استفاده می‌کرده است. مدرک این نوع توانایی ریشه‌ای تکاملی انسان را می‌توان در رفتار پیش‌زبانی کودکان شیرخوار با مادر و دیگران دید. اگر به نحوه ارتباط در این دوره زندگی کودک نگاه کنید متوجه می‌شوید که نشانه‌های ردوبدل شونده از طریق حرکات و ژست‌های چهره، اندام و زیر و بم اصوات تولیدشده انجام می‌شود. مادر از زبان مخصوصی استفاده می‌کند که لحن و آهنگ آن دیگر شبیه زبان معمول نیست. اصوات کلمات به صورت کشیده و با تأکید، اغراق و تکرار در هماهنگی با توان همراهی حرکتی و صوتی شیرخوار صورت می‌گیرد. در این محاوره پیش‌زبانی، آهنگ، لحن و قوام یا تونالیته عاطفی هیجانی با نوعی زیبایی‌شناسی موسیقایی همراه است که به درک متقابل میان شیرخوار و مادر می‌انجامد. آثار همین زیبایی‌شناسی را می‌توان در روایت‌های ادبی هنری چون شعر و موسیقی، نقاشی و هنرهای دیگر دنبال کرد. این فضای ادراکی عاطفی احساسی و زیبایی‌شناختی برای اولین بار امکان تجربه آگاهی پیش‌تأملی بیناسوژه‌ای را نیز برای شیرخوار حدودا هشت‌ماهه فراهم می‌کند. مادر به کودک نه از طریق زبان بلکه با نشانگان پیش‌زبانی می‌فهماند: «تو جالبی، من می‌خواهم تو را سرحال کنم، تو من را شاد می‌کنی، می‌خواهم با تو ارتباط برقرار کنم، دلم می‌خواهد مثل من باشی!». در این عملیات پیش‌زبانی روایی مشترک، که با تکرار و اغراق اجرا می‌شود، چون در مراسم آیینی اولیه بشری، عناصر زیبایی‌شناسی خاصی نهفته است که بعدها در شعر، ادبیات و هنرهای دیگر نیز نقش مهمی بازی می‌کند. نمونه‌های ادبیاتی آن را در زبان انگلیسی می‌توان در آثار جیمز جویس و ساموئل بکت به وضوح دنبال کرد. بنابراین نظریه‌پردازان هنری که صرفا بر اساس اصول نشانه‌شناسی زبانی و انتزاعی در گزاره‌های متن‌های نوشتاری در پی کشف رمز و رازهای زیبایی‌شناسی هنر هستند، باید در پیش‌فرض‌های خود تجدید نظر کنند و ریشه‌های پیش‌زبانی زیبایی‌شناسی هنر را نیز در نظر داشته باشند.

زیر آسمان جهان

توپ گمشده گلف در ماه پیدا شد

ایسنا: در ششم فوریه ۱۹۷۱ فرمانده مأموریت آپولو ۱۴ به‌عنوان یکی از آخرین اقدامات در سومین سفر سرنشین‌دار ناسا به ماه، به دو توپ گلف روی ماه ضربه زد. یکی از دو توپ به یکی از دهانه‌های ماه برخورد کرد و دیگری به گفته فرمانده شپرد مایل‌ها دور شد.

بااین‌حال تصاویر تازه بازسازی‌شده از محل فرود آپولو ۱۴ نشان می‌دهد که ضربه شپرد آن‌قدر که فکر می‌کرده موفقیت‌آمیز نبوده است. در حقیقت توپ اول تا فاصله ۲۱متری رفته و دومی ۳۵ متر دور شد.

میزان مسافتی که توپ‌ها طی کرده‌اند، تنها بر روی یک فیلم بی‌کیفیت ثبت شده است، اما اندی ساندرز، متخصص تصاویر به‌سختی توانست کیفیت اسکن‌های این مأموریت را افزایش دهد.

او کیفیت اسکن‌هایی را که به‌تازگی منتشر شده‌اند، به‌طور دیجیتالی بهبود بخشید و از یک تکنیک شامل فیلم‌های ۱۶میلی‌متری گرفته‌شده توسط خدمه استفاده کرد. همه اینها به او کمک کرد تا توپ دوم را که برای پنج دهه گم شده بود، پیدا کند.

این تصاویر جدید در بین تصاویر دیگر در کتاب جدید اندی ساندرز به نام «آپولوی بازسازی‌شده» به‌زودی منتشر می‌شود.

در برخی روایت‌ها گفته می‌شود فرمانده شپرد پنهانی قطعه اصلی چوب گلفش یعنی سر آهنی آن را در جورابش پنهان کرد تا آن را با خود به داخل موشک ببرد و سپس آن را به وسیله‌ای به نام «ابزار نمونه‌برداری» وصل کند. این وسیله برای جمع‌آوری نمونه سنگ‌های سطح ماه برای تجزیه و تحلیل استفاده می‌شود.

باتوجه به انعطاف‌پذیرنبودن لباس فضانوردی، فرمانده شپرد تنها می‌توانست از یک دست استفاده کند و شاید علت اینکه حتی با جاذبه کم توپ‌ها زیاد دور نشدند، همین باشد.

آقای ساندرز به بی‌بی‌سی گفت: «من هر گلف‌بازی را به چالش می‌کشم تا به باشگاه گلف‌بازی رفته و با یک دست ضربه‌ای به توپ بزند. آن‌گاه تصور کنید لباس‌های فضایی و کلاه و دستکش‌های کلفت به تن دارید و جاذبه برای پایین‌بردن چوب گلف نیز کم است. در حقیقت همین که شپرد توانست توپ را لمس کند و به هوا بفرستد شگفت‌انگیز است».

در پی گلف بازی‌کردن شپرد در ماه خلبان ادگار میشل نیز وسیله نمونه‌برداری را مانند بازی پرتاب نیزه پرتاب کرد که دقیقا در دهانه ماه در محل قرارگیری توپ اول قرار گرفت.

هنگام بازگشت از ماه شپرد سر فلزی چوب گلف را به موزه انجمن گلف ایالات متحده اهدا کرد. این انجمن در بازسازی تصاویر به آقای ساندرز کمک کرد. ماکتی از این سر فلزی نیز ساخته شد و به موزه ملی هوا و فضا واشنگتن اهدا شد.

بااین‌حال بازی گلف مورد توجه دانشمندان در زمین که روی سنگ‌های جمع‌آوری‌شده از ماه مطالعه می‌کنند، قرار نگرفت.

دان ویلهلمز از مرکز زمین‌شناسی ایالات متحده می‌گوید: «این بازی برای زمین‌شناسان مستقر در زمین مفید نبود و ما نمونه‌های کمی از دهانه ماه داریم».

تحلیل

روابط سادیستی

خواکین استفانیا
برگردان: منوچهر یزدانی

● کاربران واتس‌اپ این روزها پیامی دریافت کرده‌اند که در آن گفته شده است این برنامه پیام‌رسان که میلیاردها نفر در سراسر جهان از آن استفاده می‌کنند، «شرایط و سیاست‌های حفظ حریم خصوصی خود را به‌روز خواهد کرد». این به آن معناست که از هشتم فوریه واتس‌اپ کاربران را مجبور خواهد کرد داده‌ها و مکالمات خود را با فیس‌بوک (مالک آن) به اشتراک بگذارند، حتی اگر عضو فیس‌بوک نباشند؛ پیام دیگری برای شهروندانی که از خدمات و محصولات برخی شرکت‌های بزرگ فناوری از طریق تلفن‌های هوشمند یا تبلت استفاده می‌کنند که گه‌گاه برایشان می‌رسد و کارشناسان حقوقی آنها را «قرارداد الحاقی» می‌نامند؛ زیرا از همان لحظه‌ای که روی گزینه «بله» یعنی «شرایط آن را قبول می‌کنم» کلیک کنید، به شما تحمیل می‌شود.

نانسی کیم، استاد حقوق (به نقل از شوشانا زوبوف، جامعه‌شناس و استاد دانشکده بازرگانی دانشگاه هاروارد و نویسنده کتاب «عصر سرمایه‌داری نظارتی»، در «مبحث مطالعه‌ای کلاسیک»)، روابط بین شهروندان و فناوری‌های بزرگ را «سادیسمی» خوانده است. او معتقد است قدرت غول‌های فناوری در دنیای امروز، چه از نظر سیاسی و چه از نظر توانایی اثربخشی بر زندگی ما، بسیار زیاد است. به‌علاوه، در دوره همه‌گیری ویروس کرونا آنها بیشترین نفع را بردند؛ چون همه‌گیری به طرز چشمگیری سرعت دیجیتالی‌شدن را زیاد کرده است.

کارلوس سباستین اقتصاددان در کتاب «سرمایه‌داری قرن بیست‌ویکم» که به‌تازگی انتشار یافته، بر این تأکید دارد که شرکت‌های بزرگ فناوری از طریق توافق رقبا با یکدیگر رشد می‌کنند: آنها دیگر در پی کم‌کردن قدرت و تغییر ظرفیت‌های یکدیگر نیستند؛ بلکه هم‌زمان با فشارآوردن به رقبای بالقوه خود سیاست «خرید یا حذف شرکت» را اعمال می‌کنند. فیس‌بوک توانست اینستاگرام و واتس‌اپ را بدون هیچ مانع قانونی‌ای به دست آورد یا گوگل یوتیوب را با قیمتی گزاف خرید تا از مراقبت و نظارت بر داده‌ها و عادت‌های بینندگان ویدئوها مطمئن باشد.

معمولا قراردادهای الحاقی دیجیتال بسیار طولانی و پیچیده هستند و با حروف ریز نوشته می‌شوند؛ به طوری که این ویژگی‌ها کاربران را از

خواندن آنها منصرف می‌کند. افراد بسیار کمی هستند که آنها را تا آخر بخوانند. جان رابرتز، رئیس دیوان عالی ایالات متحده، جایی گفته است حتی او هم حروف ریز این اسناد را نمی‌خواند. مارگارت رودن که او هم از کارشناسان حقوقی است، به نقل از زوبوف می‌گوید مفاهیمی مانند «توافق» یا «تعهد» که از زمان رومیان پایه‌های اصلی عقد قراردادها بوده‌اند، به علامت‌هایی ساده ارجاع دارند که «صرفا گیرنده خدمات را به شکل خودکار وابسته نگه دارد». قراردادها به شیوه گذشته بازگشته‌اند. این شیوه عملکرد اَپل، مایکروسافت، آمازون، گوگل، فیس‌بوک و... به‌نوعی «سلب مالکیت خصوصی» و مصادره یک‌جانبه حقوق افراد، بدون آگاهی و رضایت آنهاست. به نظر می‌رسد چنین اسنادی نشان‌دهنده زیرپانهادن حاکمیت قانون و اساس قراردادها به لحاظ اخلاقی باشد. چنین انحرافی بسیاری از حقوقی را که شهروندان در طول تاریخ از طریق فرایندهای دموکراتیک کسب کرده‌اند، دگرگون و نظام مدنظر غول‌های فناوری را بر آنها تحمیل می‌کند. در این نظام جدید، کسانی که از خدمات بهره می‌برند، برای انجام کارهای‌شان باید از قوانینی تبعیت کنند که غول‌های فناوری وضع می‌کنند. پنج شرکتی که از آنها نام برده شد، اکنون ارزشی معادل پنج تریلیون دلار در بورس دارند؛ برای درک میزان این رقم باید گفت که تولید ناخالص ملی اسپانیا یک‌ونیم تریلیون دلار، برابر ارزش مایکروسافت است.

عموم مردم اتفاق نظر دارند که تعیین محدودیت برای قدرت این فناوری انحصاری چندقطبی (یا ازبین‌بردن آن) ضروری است. درعین‌حال بیشتر شهروندانی که از خدمات آنها استفاده می‌کنند، از ضوابط یک‌جانبه‌ای که بر قراردادها حاکم است، آگاهی ندارند و در آن فناوری‌های بزرگ دارای حق تغییر بدون مذاکره هستند، تا جایی که کاربران و قانون‌گذاران فرصت اطلاع از آنچه را می‌گذرد، پیدا نمی‌کنند. این چهره دیگری از سرمایه‌داری نظارتی است.

اکنون در جدیدترین گزارش پیام‌رسان واتس‌اپ آمده است که، انتشار «اطلاعات غلط» درباره سیاست‌های جدید، موجب نگرانی کاربران شده و به همین سبب اعمال این سیاست‌ها را که پیش‌تر قرار بود از هشتم فوریه ۲۰۲۱ (بیستم بهمن ۱۳۹۹) به کار بسته شوند، تا پانزدهم ماه مِی (بیست‌وپنجم اردیبهشت سال آینده) به تعویق انداخته‌اند.